

برابری خواهی نه حذف همه تفاوت‌ها، بلکه حذف مجموعه‌ای خاص از تفاوت‌هاست: مجموعه‌ای از تفاوت‌ها در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت. اهداف برابری خواهی همواره اهداف خاصی است [...] آن چه محل نزاع است، توانایی گروهی از مردم جهت سلطه یافتن بر دیگران است [...] هدف من در این کتاب توصیف جامعه‌ای است که در آن، هیچ‌یک از مواهب اجتماعی به عنوان ابزار سلطه به کار نیاید یا نتواند به کار آید» (والزر، ۱۳۹۴، ص ۱۵-۱۷).

تأثیر گذر زمان و تحولات فرهنگی و تمدنی، از دیگر مناشی مؤثر در طرح و توسعه مناقشات نظری مطرح شده در نظریه‌های عدالت است. ساموئل فلای شاکر (Samuel Fleischaker) در کتاب تاریخ مختصر عدالت توزیعی بر آن است که مفهوم ارسطویی عدالت توزیعی با معنای نوینی که امروزه از آن سراغ داریم و بیشتر با عنوان «عدالت اجتماعی» می‌شناسیم، به طور اساسی متفاوت است. امروزه دغدغه نظریه‌های عدالت اجتماعی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان منابع یا فرآورده‌های کمیاب را میان افرادی تقسیم کرد که نیازها و مطالبات متعارضی دارند. این در حالی است که افلاطون و ارسطو، هیچ‌گاه ذیل عنوان عدالت به ساختار اساسی تخصیص منابع در جامعه نمی‌پرداختند. تخصیص منابع کمیاب، موضوع عدالت توزیعی در عصر مدرن است، در حالی که در دوران باستان وقتی از عدالت توزیعی سخن گفته می‌شد، این دغدغه کاوش می‌شد که مستحقان جامعه چگونه می‌توانند متناسب با شایستگی‌هایشان از جایگاه سیاسی مناسبی بهره‌مند شوند (فلای شاکر، ۱۳۹۷، ص ۲). وی این تحول را به هیوم و اسمیت نسبت داده و معتقد است: «هیوم و اسمیت با رها ساختن خود از مفاهیم احمقانه و قرون وسطایی مرتبط با قیمت عادلانه، اقتصاد نوین را ممکن ساختند (فلای شاکر، ۱۳۹۷، ص ۵).

عمق و گستره تأثیر تحولات و تطورات فرهنگی و تمدنی گاهی بیش از آن چیزی است که فلای شاکر بدان توجه دارد. مایکل سندل (Michael Sandel) در کتاب عدالت چیست؟ به مطلبی در رابطه با «قیمت عادلانه» اشاره می‌کند که بر تحول در مبادی منطقی و بنیان‌های روش شناختی دوران سنت در مقایسه با دوران مدرن دلالت دارد: «در قرون وسطا فیلسوفان و متکلمان بر این باور بودند که مبادله کالا باید با قیمت عادلانه‌ای باشد که بر اساس سنت یا ارزش ذاتی اشیا تعیین می‌شود، ولی اقتصاددانان امروزی می‌گویند که در جوامع مبتنی بر بازار، قیمت‌ها با عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و چیزی به نام قیمت عادلانه وجود ندارد» (سندل، ۱۳۹۴، ص ۱۰). برای فهم مراد نظریه پردازان عدالت، سه سطح از بحث را باید از یکدیگر تمیز داد. سطح نخست، بحث در باب محاسن و ضرورت عدالت است؛ سطح دوم به شاخص‌های عدالت در نزد نظریه پرداز اشاره دارد؛ سطح سوم